

5-9-1966

Khalq (May 9, 1966 no. 5)

People's Democratic Party of Afghanistan

Follow this and additional works at: <https://digitalcommons.unomaha.edu/khalq>

 Part of the [Political Science Commons](#)

Please take our feedback survey at: https://unomaha.az1.qualtrics.com/jfe/form/SV_8cchtFmpDyGfBLE

Recommended Citation

People's Democratic Party of Afghanistan, "Khalq (May 9, 1966 no. 5)" (1966). *Khalq*. 4.
<https://digitalcommons.unomaha.edu/khalq/4>

This Book is brought to you for free and open access by the Digitized Newspaper Archives at DigitalCommons@UNO. It has been accepted for inclusion in Khalq by an authorized administrator of DigitalCommons@UNO. For more information, please contact unodigitalcommons@unomaha.edu.



سال تاسیس ۱۳۴۵

ناشر افکار و موکراتیک خلسق

وسایل و راهبائیکه آرمانهای خلقهای

افغانستان

و مرام د موکراتیک خلق را به پیروزی میرساند

دنباله قسمت دوم

تاریخ سازمانهای مترقی و سیاسی طبقه زحمتکش ملل جهان نشان میدهد که طبقات حاکمه و محافل سیاسی آن از تشکیل سازمان پیشرو خلقهای زحمتکش در هر اس اند و مدبوخانه تلاش کرده اند که از پیشروی به جهان کهنه و مبارزه قانونی و دایره به پیشروان تاریخ جلو گیری کنند و ضربات سنگینی به سازمانهای سیاسی آنها وارد سازند. سازمانهای مترقی و نوع عالی ملل جهان راه های بس طولانی را پیموده اند و سرگذشت قهرمانان آنها مشحون از پیروزی های پرافتخار و شکست های رقت بار موقتی بوده است. کارگران، دهقانان جهان طی مبارزات عظیم خود پیشوایان، سازمان دهان درمیران پراپیونگی از خود بوجود آورده اند که آنها را بخش قدرت های ترقیخواه و نشان دهنده ماهیت سازمانهای نوع عالی و جدید میباشد.

همچنان طبقات حاکمه از تجامی جامعه برای جلو گیری از بیداری مردم سعی میورزند تا مردم را از تأسیس سازمان سیاسی خلع سلاح کنند و از طریق تولید محیط رعب و ترس و طرح و وضع قانون مطلقاً ارتجاعی و ضد دموکراتیک بنام به اصطلاح قانون احزاب موانع بزرگ ایجاد کنند و راه مبارزه قانونی را عمداً و قصداً سد نمایند و بعداً بصورت توطئه آمیز طبق شیوه های پارتیزه اعلام دارند که فلان جریان به اصطلاح «غیر قانونی» و «دارد شده از خارج» است لهذا حق تشکیل حزب قانونی را ندارد.

مسوده قانون احزاب که از طرف حکومت درجراید نشر گردیده از آن قوانینی است که نظیر آن از لحاظ ماهیت ارتجاعی و بولیس در جهان سابقه ندارد در حالیکه در کشورهای دموکراتیک بنام قانون احزاب اصولاً قانونی وجود ندارد و اگر هم موجود باشد بیش از چند ماده رهنما که محتوی دموکراتیک را حایز است نمیباشد.

به هر حال ما امید داریم که مردم و نیرو های وطن پرست و مترقی کشور علیه طرح چنین قوانین ضد ارزش های دموکراتیک قانون اساسی مبارزه قانونی خواهند کرد و به محافل سیاسی طبقات حاکمه اجازه نخواهند داد که چنین قانون

ارتجاعی را بالای شان تحمیل کنند.

بجرات می توان اعلان کرد که طرح

چنین نوع قانون احزاب صریحاً ضد من

ماده (۳۶) قانون اساسی میباشد که آزادی

تشکیل احزاب را تضمین کرده است.

مادراین باره بصورت مسالمت آمیز

و حسن نیت به تمام نیرو های ضد ملی و ضد

دموکراتیک و ضد مردم خا طر نشان

میسازیم که تحول تاریخی جهانی جامعه

بشورشد و توسعه جهان مترقی و تشکیل

سازمانی آن نتیجه قانونی و طبقی تکامل

جامعه است. جهان بینی علمی با کشف قوانین

عینی تکامل جامعه، تضادهای ذاتی نظام

فیودالی کشور و ناگزیری انتقال آن را

بیک مرحله نوین تاریخی نشان داده است.

تصادم رشد روز افزون نیرو های مؤلده

بامنا سیات تولیدی کهنه در برابر جامعه

ملی ما این وظیفه را قرار میدهد که باید

هر چه زودتر نظام فیودالی را طرد کرد

و نیرو های مؤلده بر قدرت را که مخلوق

انسان است از قید اسارت آزاد ساخت

و آنها را بنفع نمر بخش جا معه مورد

استفاده قرار داد. همچنان بو شاحت

دیده میشود که توأم باین عملیه (پروژه)

نارشیستی توده های زحمتکش مردم از نظام

فیودالی تشدید میگردد و مبارزه آنها

باطبقه حاکمه حدت میا بد و قهرأ کسی

بخواهد بانخواهد امکان مادی و واقعی

برای جنبش دموکراتیک برهبری سازمان

(درس ۴)

شماره ۵ - د و شنبه ۱۹ ثور ۱۳۴۵ ه ش - ۹ می ۱۹۶۶ ع

ناروا خـ پرونی

د ثور به ۱۴ دکابل را دیو له یو خبره داسی و یو هیډ او چه د مشرانو د جرگی د هوتموله خوا د خلق د جریدی پر نشراتو د انور او تهیت پوری شوی چه گواکی د جریده د «اسلام د دین او داساسی قانون» به خلاف نشرات کوی اوردی جریدی نشراتو به بهار کښی «تشویش او اندیشه» مینځ ته راوستلی ده. مونږ دغه بی موده اوتار د انور او تهیت په کلکه تردید و او د افغانستان زور او با شهامت ملت ته په ډاگه دا اعلان کوو چه د خلق د جریدی نشرات «د اسلام د دین او داساسی قانون» پر ضد نه بلکه د «استعمار د استبداد» پر ضد دی.

د خلق جریدی «به قول بهار کښی تشویش» مینځ ته ډی راوستلی بلکه

د ظالمانو، مستبدینو او د استعمار د تالی- شتوبه کوږو کښی بی تشویش راوستلی دی.

مونږ دلته په ښکاره وایو چه مونږ داساسی قانون د دوهمی مادی چه وای: «د افغانستان دین د اسلام سپیڅلی دین دی» اړه ډاډول د لومړی مادی چه وای: «د افغانستان یو مشروطه پاچاهي ځپلواک یو موټی او... دولت دی» بشپړ احترام کوو. خو هیڅی خود عرضه خلک زموږ دغه نیت به بله بڼه معرفي کوی او نا روا اوتار وده تودونه را باندي لکوی.

د افغانستان پوه او وطن پرست خلک، مشورین او هوایان به پوهیدی چه دا لومړی هل ډی چه د افغانستان پروطنخواهانو او د خلکو پر دوستانو د ځسی تودونه لکول کښی بلکه څرنگه چه مونږ پخوا لا په یوې سرمقالې (یوه بله آزموینه) کښی ويلي و زموږ جریده یوازی او یوازی د افغانستان د عوامو خلکو (۹۵ فیصد) کښی به خورا زور ټیا او د اگساری مدافعه کوی او ساتی. زموږ مرام د دغی ادعا شاهد دی او د استعمار د ښخ جاسوس او د فیودالی طبقی میخ مزدور نه شی تردید ولای.

مونږ به بهیر اېږو چه زموږ د جریدی په خبریدو د افغانستان د ښمنان ولی و و مره و اړ غلط او نا ارامه شوی دی دا ځکه چه زموږ جریده عام خلک د دوی (به ۲ مخ)

دین اسلام - قانون اساسی

شاهی مشروطه

واضح وی نیاز از «تذکر» است که از لحاظ جریان تکامل تاریخ، در کشور هائیکه تحت شرایط بی نظمی عمومی فیودالی و ارتجاعی حیات بسر میبرند، سلطنت مشروطه یک عنصر ترقی و پیشرفت بشمار میرود.

نظام فیودالی از نظر ماهیت خود همیشه با نظام «دولت پادشاهی مشروطه مستقل و واحد و غیر قابل تجزیه» (مساده اول قانون اساسی) در تضاد بوده و همواره با هم تصادم کرده اند. لذا در مرحله ای از تکامل اجتماعی عناصر ملی و مترقی ایکه در قشر شرایط فیودالنه ایجاد میشوند مجبور هستند که بر سلطنت مشروطه تکیه کنند چنانکه سلطنت نیز ناگزیر است بر آنها متکی باشد تا (طرز تولید فیودالی) و فیودالهای ضد مشروطیت و ضد نظم دموکراسی برانو در آورده شوند. (بتاریخ تحولات اجتماعی اروپا از قرن دهم به بعد مراجعه شود).

هر گاه نگاه ارتجاعی به سیر تکامل تاریخی مشروطیت افغانستان انداخته شود بوضاحت معلوم میشود که طی یک قرن و نیم استعمار قبیح بریتانیا و استبداد طبقه حاکمه داخلی یعنی فیودالهای حاکم محلی متحدانه سعی نموده اند تا مانع تشکیل یک سلطنت مرکزی ملی و مشروطه در افغانستان گردند.

همچنان بعد از تحصیل استقلال سیاسی دهها اغتشاش و تحریکات و توطئه های استعماری فیودالهای محلی و منحرف ساختن جنبشهای دهقانی بجهت ارتجاعی زیر عنوان مذهب و غیره همه نشان دهنده این حقیقت است که دشمنان پادشاهی مشروطه و نظام ملی همانا نیروهای فیودالی (ملوک الطوائفی) بوده اند نه جنبشهای ملی و مبارزات مشروطه خواهان، آزادی خواهان و ترقیخواهان کشور که پیوسته «بمنظور تنظیم حیات ملی افغانستان مطابق بمقتضیات عصر و براساس واقعیات تاریخ و فرهنگ ملی، تأمین عدالت و مساوات، تطبیق دموکراسی سیاسی اقتصادی و اجتماعی، تنظیم شئون و ارکان دولت برای تأمین آزادی و رفاه افراد و حفظ نظم عمومی، انکشاف متوازن تمام امور حیاتی افغانستان» (مقدمه قانون اساسی) مجاهده کرده اند.

(درس ۳)

به سلسله گذشته

اصطلاحات و مقولات اجتماعی

(ط - ب)

۲ - خلق

در جوامع غیر متجانس و نا همگون که چندین طبقه اصلی و فرعی و قشر های اجتماعی مستقل و مر بوط موجود است به اشکال بورکتر اشتراك افراد یعنی ترکیب طبقات و قشر ها بر می خوردیم که در ساحه وسیعتری بمبادرات طبقاتی مشغولند مثلاً : طبقات مشابه دهقان و کارگر با قشر های منور متری و پیشه وران بعینت استعمار شونده ها در یک طرف و طبقات مشابه فیو دال و سر مایه دار محترک بزرگ با قشر های منور مرتجع و بوروکرات ها بعینت استعمار کننده ها از طرف دیگر، صف آرا می می کنند.

در جامعه شناسی علمی جمع زحمت کشان و استعمار شونده گان را تحت مفهوم (خلق) و جمع طفیلی ها و استعمار کننده گان را زیر عنوان (طبقه حاکمه) می خوانند.

تعریف خلق : بصورت کلی تمام زحمت کشان عبارت از خلق است. اما در جامعه طبقاتی «تمام توده های استعمار شونده» را خلق می نامند که البته در دوره های تاریخی جامعه و زمان های مختلف اجزای این مفهوم ملی، وسیع و محدود می شود به این طور که :

در جامعه فیو دالی تیپیک خلق عبارت از همه رعایا (سرف) و (پیشه وران) است. در جامعه کاپیتالیستی تمام کارگران دهقانان و روشنفکران و قشر هاییکه به پیشرفت جامعه کمک می کنند خلق میباشند و در مراحل امپریالیستی تنها انحصارگران بزرگ از این مفهوم خسارج می شوند و در جامعه سوسیالیستی خلق عبارت از همه اهالی است یعنی کارگران، دهقانان

و منورین . در دیگر جوامع خلق از حیث تعداد اکثریت قریب به تمام اهالی است نه همه اهالی زیرا طبقات و قشر های کوچک طفیلی و استعمار کننده با وجود تبعه بودن رسمی خلیق محسوب شده نمی توانند چونکه در تولید ملی سهمی نمی گیرند و علاوه بر باردوشی مانع ترقی و انکشاف می باشند.

در بعضی مواقع خاص مانند جنگ های استقلال طلبی یا نهضت های ضد استعمار گروپ هایی مانند یاران شهزاده ایوب خان و خودش با شیخ های قبایل الجزایری در جنگ میوند و نجات الجزایر و صف خلقی را پیدا می کنند که گذرا میباشند همچنان سرمایه داران ملی در مبارزات ضد امپریالیزم .

اهمیت خلق : همین خلقهای یک جامعه اند که «نیروی تعیین کننده تکامل اجتماعی» آن می باشند زیرا تولید مادی که اساس زندگی است به همین نیروی عمده تولید (زحمت کشان) تعلق دارد . اهمیت خلق در تاریخ «به تناسب تکامل متریقی جامعه افزایش می یابد» و هم سر نوشت انقلابها بدست آنهاست .

جنبه خلق : صف اتحاد اجزای طبقات و قشر های زحمت کش و منورین متریقی می باشد که بزم (جنبه متحد ملی) معروف است. در شرایط فعلی مبارزات ضد فیو دالیزم و امپریالیزم و انحصارات بهترین و بزرگترین سلاح نجات خلقها ملت ها و زحمتکشانست .

(در آینده اصطلاح طبقه حاکمه تعریف می شود)

فشار و اخپرونی

(د لومری میخ پاتی)

دخوارو، بر بنه والی، لودو، ناروغیو به حقیقی ملل او سببو پوهوی او داخو تر لمر پیکاره خپره ده چه دخلکو پوهیدل د استعمار او استبداد ضعف او مرگ دی .

که لومړی د جریدي هدف دای چه ولی لومړی د زیار استونکو و روږ په زحمت او ننگ او ناموس پوهو مستبدین او تر و تمندان لوبی کوی ولی دوی کوچنیاو ته د تعلیم کولو او یو سم انسانی ژوند موقع نشته ؟

که موږ وایو چه ولی دوی دهان او کوچنیاو د پاره یو ساده غونډی قاعده یی لری او ولی د خو بهایانو په گداراچو او د سړو نمناکو خوونکینی د حیوانانو په څیر شپي او ورځی تیری ؟

که موږ د دغو دخوارو او اریانو حقیقی ملل فیو دالیزم یعنی د ملوک الطوائفی

مارز ژوند و دوی ته د بیونو دا به د اسلام او اساسی قانون سره څه مخالفت لری ؟ زموږ په نظر د صرف له اقتصادی او اجتماعی ظلم سره منافات لری ؟

که زموږ د مرام اصلی مطلب دای چه ولی زموږ یو څه ورو په تر اوسه د ورو پوهوکی اغونډی او لوڅی پشی او بی انگي ، بی انگي کالی اغوستی په پاکستان کینی په خورا نارو شرایطو کینی خاوری چلری او یا څه کوی او په دری په افغانستان کینی په وډی نس دغم شپي ورځی تیری او ولی دوی کوچنیاو ته د سم تعلیم کولو مناسبه موقع نشته ؟

اولی د دوی د زیار حاصل به مستقیم او غیر مستقیم ډول د څو مفتخورو له خوا جذب کبی ؟

که موږ د پښتو نستان څیری وکړو

علم و فلسفه نو

(د وکتور - ش)

- ۲ -

اقسام اسلوب در فلسفه : در فلسفه دو قسم اسلوب تحقیق موجود است : اسلوب دیالکتیک و میتافزیک .

دیالکتیک : لغظ دیالکتیک از لسان یونانی گرفته شده است. در زمان سابق مفهوم آرت و یاهنر مباحثه را می رسانید که با یکبار بستن این هنر طرفین مباحثه حقیقت را از روی تناقضات در گفتار حریف خویش آشکار میگرداند امروز دیالکتیک اسلوب علمی مخصوص شناخت واقعیت میباشد که عمومی ترین قوانین حرکت، تغییر و تکامل طبیعت، اجتماع و تفکر را طراز بندی و بر اساس این قوانین عینی جهان را در حرکت، تکامل و تغییر مداوم یعنی همانطور که هست مطالعه میکنند. علاوه دیالکتیک علت این حرکت، تغییر و تکامل را در تضادهای ذاتی اشیاء و پدیده ها میدانند و تیره و تکامل و مبارزه نو علیه کهنه و اجتماع نابذیری پیروزی نو بر کهنه را شرح میدهند و بنا برین دیالکتیک بمنزله سلاح مبارزه نیرو های متریقی جامعه است .

میتافزیک : اسلوبی است که در نقطه مقابل دیالکتیک قرار دارد. در ابتدا این میتود در علوم طبیعی بکار میرفت و یسار د پښتو نستان ستر مشر خان عبدالغفار خان ته د ده د نظر یا تسو دهر گندونو دپاره په خپله جریده کښی مرقع ورکړی و نوسیدلایه د څو واور تجارعی عناصر او دشواستعماری تالی څخه وخوا په بله پرده کښی داسی تجریک شروع شی چه گواکی ددین او اساسی قانون په خلاف اشرات کیری ؟

که موږ خلکو په مینځ کښی د حقیقی براری او د ورو وری د ډکښکولو د پاره او دخلکو د ثقافت او ژبو روزلو د پاره څه وایکل او وویل آید له اساسی قانون سره مخالفت لری ؟

که موږ په عمومی ډول استعمار د هر ډول ظلم، استبداد، تیری، اقتصادی او اجتماعی بی عدالتی، دخلکو د نه زورلو، غږ او چت کړی او د افغانستان د مطلب ووطیقاو د ډگه د پاره څه وایکو نو سمدلاسه د استعمار جیا نو او ظالمانو حسادت تشدید شی او خپل اجیران را خوشی کړی او زموږ دغه د سق غږ د څخه کولو د پاره ډول، ډول دلایل او وسایل لوی او د ملی منافعو برضد دخپلوشومو اغراضو د پرمخ بیولو د پاره د اسلام مقدس دین پرده او بهانه کړی .

آیا دا گناه ده که وایو چه د ملی عوایدو د ډیر والی او د وروسته پاتی فیو دالی اقتصادی له مینځ وړلو د پاره دی به هیواد کښی د محکو اصلاحات وشي او خادجی تجارت دی ملی شی ؟ (په دریم مخ)

(در شماره آینده مقولات دیالکتیکی تشریح خواهد شد.)

شعر از بکی :

یونگی زمان

ترا نه سی

سلام یونگی یل، ای یونگی لیکنی ایلیچی سی !

سینی یازینگده ،

سینی یشنگن بهار ینگده ،

حیات بخش قویاشینگن جهانگه ساچکی نور

بونوردن ، قوت ،

بونوردن ، الهام ،

خلایق اوزگه تیریکلیک قورو ش اوچون آلیکی ،

کونگل قوشی بولوبان مست سیرمه گی هر دم

قوانچلیک بیله ینگی زمان ترا نه سینی :

«جهاننده تینچلیک و صلح خلق ارا یشه سین !»

«اولوغ هدفرا اوچون ،

«دهو کراسی و آزاد لیک بنا سی اوچون

«گورش ، مبارزه ، ایثار خلق ارا یشه سین !»

«ایلدرم»

دین اسلام - قانون اساسی - شاهي مشروطه

(بقیه صفحه اول)

از نخستین طلبه نهضت مشروطیت در حدود پنجاه سال میگذرد که بالاخره باسناد اراده ملت و رهنمایی مدبرانه اعلیحضرت پادشاه افغانستان برای اولین مرتبه در کشور اصل مشروطیت در ماده اول قانون اساسی اعلان گردید. ارزشهای دموکراتیک قانون اساسی و اصل « دولت پادشاهی مشروطه » وثیقه و خونیهای فرزندان صدیق وطن درین مرحله تاریخ است که در صورت تطبیق، تأثیر آن در تحول اجتماعی کشور با اهمیت خواهد بود.

با اهمیت ازین لحاظ که: از نظر قانون عینی تکامل جامعه ما، ارزشهای قانون اساسی و اصل « دولت پادشاهی مشروطه » عامل و بنای زوال فیوتوالیزم (ملوک العالی) میباشند.

ماده هفتم و یازدهم قانون اساسی کشور که چهره خلق آسرا احترام مینماید، میگوید: « پادشاه غیر مسئول و واجبات احترام است... از حقوق مردم حفاظت و حراست مینماید. »

بی نیاز از اثبات است که چهره خلق نیز بر مردم افغانستان تعلق دارد و کارکنان آن از جمله اتباع افغانستان میباشند. لهذا باسناد قانون اساسی کشور و ماده (۳۱) آن که میگوید: « آزادی فکری و بیان از تعرض مصئون است

(دومین بخش بانی)

نار و آخرونی

زمون نظر خودی چه کار داریم اکثریت به گفته دی او دا خرگنده ده چه اساسی قانون تر هر چه لومی باید خورده بر اکثریت دشمنان و سازنده وی. (خلق) دجری دی دشر و مطالبو شخه بر خوهنکی دا پورته و چه و لیکل شول. مون له و لو و طنخواه خلکو، منورینو و ترقی غوشتونکو عناصر و شخه هیله لروچه بری بردی د خلکو دغ دخنو مفرضینوله خواد اسلام دسپیشلی دین به برد د کیشی یو محل بیبا وچ کول شی او دافغانستان د خلکو دسعادت برضد دمنهجویی و بهائی و سایل استعمال شی. مون ددی کفی به لومی منج کیشی دا موضوع و خوهن و زور، خپل لی ده، هیله ده چه زمون لوستونکی هغه به دقت و گوری.

هر افغان حق دارد فکری خود را بوسیله گفتار، نوشته، تصویر و امثال آن مطابق به احکام قانون اظهار کند... چهره خلق بهیات نشراتی خود آغاز کرد، و در همان بدو امر تصمیم بر آن گرفت که از هیچگونه نیروهای خراب کار و اعلامیه های دستوری علمی و سری، از هیچگونه تصادم و فیصله های مرتجعانه ضد قانون اساسی، ضد حقوق و کرامت بشری، ضد ملی، ضد مصالح عالیه خلقهای زحمتکش افغانستان و در نهایت ضد دین مقدس اسلام (که منبع الهام مبارزه و جهاد علیه ظلم و استبداد، بی عدالتی و نابرابری میباشد) ترس و بیمی بخود راه ندهد و بحکم ناموریت تاریخی و ملیت اقبالهای سیاه جاسوسان، مرتجعان خائنان سابقه دار و دشمنان به صلح، آزادی ملی، مشروطیت، دموکراسی و ترقی اجتماع را دور افکند و آنها را در برابر افکار عامه مردم افشا کند.

طلایه نامیمون چنین جریانات که وقتا در زمان نهضت امپانی، بصورت وحشت انگیز خود ظهور کرده بود در فیصله ۱۴ نور مشرانو جرگه از دایو افغانستان توسط حکومت پشاهلی میوند و ال علیه جریده خلق انعکاس گنبد. و بسکبار دیگرو و جدان تمام وطنپرستان، نیروهای ملی و ترقی خواهان دموکراتیک و خلقهای افغانستان را تسکین داد و تجدید خاطره گردید که بساز نیروهای ارتجاعی و عوامل استعماری، خواهان سوء استفاده از دین اسلام بوده و مصمم هستند که دست به توطئه و حشمتانک زنند و راه ترقی اجتماعی و پیشرفت افغانستان محبوب را سد کنند. به تمام این آقایان معلوم الحال واضحاً اعلام میداریم که شمارا در معرض قضاوت عامه مردم شریف خود میگذاریم تا حق را از باطل جدا نمایند.

ما با کمال جرأت ملی، قانونی و علمی و بر مبنای مصالح عالیه ملت خود تمام دعاوی نا درست محافل ارتجاعی و همچنان ادعای بعضی از اعضای مشرانو جرگه را از ریشه ضد قانون اساسی مملکت و بخصوص ضد حقوق اساسی مردم (فصل سوم قانون اساسی) اعلان و تمام ادعای غیر قانونی آنانرا از ریشه رد مینماییم و این اتهام را ضد اصول دین و سعادت جامعه افغانستان تلقی مینماییم

و آنها را به پیشگاه قضاوت ملت که حاکمیت ملی به آن تعلق دارد (ماده اول قانون اساسی) میگذاریم. و بکمال افتخار حاضریم که چه در برابر افکار عامه مردم خود و چه در کنفرا نسبا و مجالس آزاد از حرف بحرف مراسم دموکراتیک خلق و موضوعات منتشره در جریده خلق دفاع نمائیم و ثابت کنیم که نه تنها مراسم دموکراتیک خلق و نشرات چهره خلق ضد دین اسلام و قانون اساسی کشور و نظم مشروطیت و میباشند، بلکه برعکس مطابق آنها بوده و منجبت وظیفه ملی صدای نجات خلقهای افغانستان از تحت ظلم و ستم چنین طبقات و نمایندگان ارتجاع و سیماع انعکاس داده شده است.

در همین جا است که بحکم تجرب به تلخ و رقت انگیز گذشته تاریخ ملی یاد آور میشویم که بجز ریانات ارتجاعی ضد دموکراسی و ضد ترقی اجتماعی اجازه داده

نه شود که چنین جرأت دست به ملیتای بزند که ملی ترین، ترقی ترین و دموکراتیک ترین عناصر و تمام وطنپرستان، فرزندان صدیق وطن و با شهامت ترین مدافعان منافع خلقهای کشور صلح، استقلال ملی، دموکراسی و ترقی اجتماعی افغانستان را تکرار آورده و اغراض شوم استعماری، استعماری و استبدادی فیودالی خود قرار دهند. مادر حا لیکه به تمام ارزشهای ملی و دینی خلقهای ملت خود احترام داریم و خود را بر اساس اصول مبارزات مسالمت آمیز، قانونی، علمی و پارلمانی بشرو. ترین مدافعان نظم اجتماعی میدانیم به هیچکس اجازه نمیدهیم که بدون احساس مسؤولیت در برابر قانون و تاریخ چنین اتهام نادرست را بما به بندند و از قانون اساسی افغانستان چنین تفسیر منفی و ضد اصل آزادی ماده بیست و ششم آن « آزادی حق طبعی انسان است این حق جز آزادی دیگران و منافع عامه که توسط قانون تنظیم میگردد حد و دی ندارد... » به نمایند.

در خاتمه توجه ملت نجیب و زحمتکش خود را باین نکته حساس جلب مینماییم که تحت تبلیغات سوء قرار انگیزانه و بی ادبی سیاسی خود را احیا نمایند. و همچنان به تمام عناصر ملی، ترقیخواه، دموکراتیک اعلان « هوشیار باش » مینمایم و تکراراً متذکر میشویم که: راز پیروزی چنین دموکراتیک ضد فیودالی در همتا هنگی و اتحاد عمل است و علت ناکامیها و جرأت پیشقدمی نیروهای ارتجاعی و اعمال استعماری

پای

داو چتو غروپه مینخ کی په اسفا لپ سړک روان و ملادر دمنه، پنبی چاودی لاره لری وه ستومان و لری پلنی وې په غرو نو راروان یاغی توفان و.

لاروی ته ورپه یاد شول پندې واپ کی خپل کارونه ددې غرو په خپلو کی خپلی هڅی، زحمتونه کلنگونه، زنبیلونه ساپه ژمی سخت کلونه

لوړی پر پنبی ملی کړی مانی سرکش غرونه می هوار کړل سین می سیخ که په بستر کی سیلا وونه می مهار کړل ستر پلونه می تیار کړل برف کوچونه می ایسار کړل

په بریتود مساپر کی یوه نری موسکاپیداشوه په ساده زړه کی بی وینه یوه خوب وړی نمناشوه « کاشکی بیابه دغو غرو کی لوړ زما دکار غوغا شوه »

ناخایی ورباندي راغی یومو تر له پاسو غرو نه شکی ختی یی ورباد کړی پنلو یی ولویده له شانه دی یی ویوست له اوپو نه رابیدار شوله خوبونه

ای دغو نو مساپره دهر چا ده خپله برخه که آسمان خمکی ته کوز کړی و به نه وزی له دې نرخه خه اوچت خه لنډوه یی دغه توره اوږده کرخه

سلیمان لایق

همانا برا کنندگی ماست. اگر تمام نیروهای ضد استبداد و استعمار و ارتجاع امروز کشور ما در یک جبهه متحد ملی متشکل و متحد شوند میتوانند جبهه ارتجاع را از جامعه طرد کرد و جنبش دموکراتیک و ملی را پیروز ساخت.

بجرات بیان مینماییم که مسؤولیت عظیم شکست نیروهای مترقی و جهان بینی علمی و جنبش دموکراتیک از همه اوانر متوجه عناصری خواهد بود که باوصف روشنی اوضاع و ضرورت تاریخی آرا به بهانه های نادرست از نظر میاندازند و در عوض وحدت نیروهای جنبش دموکراتیک بنابرین اتفاقی و بی اعتما دی را در بین قدرت های و طنپرست و ترقیخواه دموکراتیک می افشانند.

- بگذریم از مبارزات قهرمانان و دایران راه مشروطیت الهام بخش دموکراتیک خلق باشد.

- پیروز باد اتحاد نیروهای وطنپرست مترقی و دموکراتیک و ملی و ضد ارتجاع استبداد و استعمار....

گرا نو وطنوالو !

د خلق جريده په غورولولو !
د خلق جريده د ملي خپلواکۍ د پيښو او د پاره هر ډول سعي کوي !
د خلق جريده د وطن د ټولو لږو زيار ايسټو لږو د گټو ملا تم کوي !
د خلق جريده دهيواد خلک د دوی د خو اړيو حقيقي علتو ته ملتفت کوي !
د خلق جريده د خپلو خلکو د ثقافت د دوی د پاره خپروني کوي !
د خلق جريده د ټولو لږو خلکو ده او د خلکو د پاره خدمت کوي .

ښاغلي بهنسي د خلق د موکرا تیکه

کېناره تاييد کړه

ښاغلي حاجي علي محمد بهنسي د منځني آزاد پښتونستان صداقت اخبار چلوونکی د نورو په دريمه هېڅه دورهي په يو ولسو وجود «خلق» اداري تر راغی. ښاغلي بهنسي د «صداقت» غو گټی «خلق» ته اهدا کړي او ميله يی وکړه چه د «صداقت» او «خلق» تر مينځ دې مېاد له اوتاس موجود دی. نوموړی مجاهد «خلق» هدفونه نښاييد کړل او د پښتونستان د مېلا ته په برخه کښی يې د خلق د جريدي دريغ وستا په او يوه ليکل شوی يادونه يې پدی برخه کښی زمونږ جريدي ته د سپار له چه مونږ هغه دلته ټکی په ټکی وړاندی کوو !

زما د پرمهال پرمهال تر کړی صاحبچه !

پدی ورځو کښی زه کابل او مزار شريف ته د زیارتونو د پاره راغلی يم له نيکمرغه ستاسی مبارکه جريده چه د خلق په نامه موخپره کړيده لږی او دوهمه گڼه می ټکی په ټکی و لوستلی - رښتیا ده چه د زرگونو زرو او غوښتنی آرزو گانی، هیلې وی چه د ستاسی جريده می ښکلی کړی وه، خدای پاک دی قوی تر سره کړی.

ستاسی د جريدي د مرام نامی په لږ کښی یوه رښکینه او لږينه کړی د پښتونستان د حق دملانی هم موجود وه چه د پښتنو او پښتو استا او مطا لېه د حق خود اړاديت او د کلنو کلنو مجاهدي وی چه تاسو په ډېرو لنډو او غو را مؤثر الفاظو تښاييد کړی یدي زه ددی نيکمرغه جريدي د خپريدو غږه د زده له کومی ستا او ستاسی ملگرو ته ددی لوی گام په اخستلو کښی مهارکی وایم او د یوه پښتو استانی په حیث ستاسی دملانی ته ډېره ډېره شکریه او کورودانی درته وایم او د لوی توانا خدی غږه د بریاليتوب غوښتنه درته کوم .

ستاسی ورور علی محمد «بهنسي»

وسایل ...

(بقیه صفحه اول)

سیاسی و طراز عالی و لوین (مظهر آگاه جنبش طبقاتی خلق د حمتکش) ظهور می نماید .

لهذا ما توجه مقامات سیاسی کشور را که احیاناً از خود عقل سلیمی نشان میدهند به این نکته جلب می نمایم که نباید مصرا را خود را در برابر جریان قطعی تاریخ قرار دهند و نشود که «خر به ناگهانی» بالای ترقیخواهان و دموکراتیک خلق، بصورت توطئه آمیز وارد سازند و ماهیت واقعی خود را آشکار ساخته و در عرض خود را بیشتر متضرر سازند. امروز قانون عینی و بشر دوستانه «انتقال مسالمت آمیز» امکاناتی را برای کشوری های عقب مانده همچو افغانستان بوجود آورده که از طریق آن میتوان بصورت (مسالمت آمیز، قانونی، علمی و پارلمانی) اصل صلح، استقلال ملی، دموکراسی ملی و ترقی اجتماعی را تأمین کرد و کلیه افراد جامعه را از نا برابری اجتماعی از عموم اشکال ستمگری و استثمار نجات داد، و هم بهر انبیا و تشنجات اجتماعی را جلو گرفت. البته این امر بیشتر بمقامات سیاسی کشور مربوط است که (هرگاه صادقانه به دموکراسی و مساوات جامعه معتقد باشند) خود موجب عمل تشدد آمیز و توطئه آمیز نشوند و بصورت مسالمت آمیز بگذرانند که ابروهای وطن پرست و ملی و دموکراتیک خلق رشد طبیعی و قانونی و سازمانی خود را طی نمایند و در پهلوی

دیگر جریانات سیاسی احراز موقعیت کنند. در عکس آن البته متوجه خواهند بود که مسؤولیت نتایج ناگزیر ناشی از اعمال و تصمیمات آنها بمعهده خود آنهاست نه به جریانی که شیوه مسالمت آمیز و قانونی مبارزه، اصول زمان آن است .

روی این واقعیت ابروهای دموکراتیک خلق وظیفه خود می شمارند که : بخاطر خلقهای دحمتکش افغانستان، بخاطر به پیروزی رساندن مرام دموکراتیک خلق و آرمانهای مردم و بخاطر انجام تحول دموکراتیک در مرحله کنونی که مضمون اساسی آن طرد فیودالیزم و جلو گیری از نفوذ امپریالیزم و تأمین آزادی ملی و ترقی اجتماعی است - در راه تکامل عالینرین نوع سازمان سیاسی ملی طبقه دحمتکش خلق ددرتاسر افغانستان که بر پایه های اصول دموآزمین علمی استوار باشد مجاهده «قانونی» کنند .

جریان دموکراتیک خلق افغانستان که جریده خلق گویای آن است سازمان «قانونی» خواهد بود که بر اساس اتحاد داوطلبانه مبارزان پیشرو طبقات و قشر های دحمتکش ملت افغانستان یعنی کسارگران، دهقانان، اهل کسبه و پیشه وران، روشنفکران و افرادی که مرام و اصول سازمانی دموکراتیک خلق را در شرایط «قانونی» بپذیرند و در راه پیروزی و تحقق آن فعالیت مسالمت آمیز کنند .

جهان بینی سازمان نوع جدید پیوسته و بصورت مداوم بر اساس علم، توین و اخلاق به پیش خواهد رفت و اصول تشکیلاتی آن به این جهان بینی اتصال ناگسستنی خواهد داشت. نیروهای دموکراتیک خلق از سن و مواریث ملی، از شرایط ملی و بین المللی و تجارب علمی متریقی ملل جهان و شعور با لقوه خلق های دلیر ملت خود سپاس گزار بوده و امیدوار است که بر دشواریها و محرومیت ها و اواقص کار، اشتباهات، نظریات نادرست، نقص تیوری، خود خرابی ها که به آنها اعتراف می نمایند و مواضعیکه همیشه موجب نابرابری اجتماعی و ستمگری بر مردم گشته فائق آید و «مرام» خود را بموقع اجرا بگذارد .

سازمان دموکراتیک خلق طی تکامل مراحل قانونی، اجزای خود را با اصول معنوی و اخلاقی عالی ملی و به جریانات

متریقی بین المللی و صلحخواهی و باروخ وطن پرستی و فداکاری و وفا داری به منافع خلق و جنبش نجات بخش ملی و مردمی پرورش خواهد داد .

خلاصه در ختم این قسمت بحث اعلام میداریم که ما ایمان کامل داریم که ملت افغانستان پیر و زخو اهد شد زیرا دیگر توده های مردم از خود در شرایط قانونی سازمان قانونی سیاسی خواهد داشت که با سلاح دانش لوین بشری مجهز است و جامعه فولادین از خود گذری و تقوای اجتماعی و وطن پرستی برتن دارد. تنهاسلاح نامردانه مغتربان و اغواگران و دشمنان داخلی و خارجی ما تخریک نا جوانمرا نه و ضد انسانی مرتجعین و جواسیس و نمایندگان استعماری علیه جریانی ملی و دموکراتیک خلق و دشنام و بهتان به آن خواهد بود تا فساد اجتماعی و سیاسی، عوامل فریبی و قدرت طلبی و ستمگری و خصوصیت ارتجاعی و وابستگی استعماری خود را از نظرها بپوشانند .

بگذارد که دشمنان ملت افغانستان علیه ما توطئه کنند و ما را تهدید به نمایند، ماددعوض به آنها در عمل و نظر جواب آموز ند و دلدانشکن خواهیم داد و به آنها خواهیم گفت که با توطئه و تهدید شما ملت دلیر افغانستان بیدار خواهد شد و دیگر و سایل کهنه دیروز علیه مبارزان راه نیکی بخیتی خلقهای افغانستان کارگر نخواهد افتادند .

بگذارد که در تحت انضباط شعوری و اصول تشکیلاتی «قانونی» و موازین علمی سازمانی زبرین درین شرایط بصورت قانونی، علمی و مسالمت آمیز بدون ماجر اچوای به پیش، بجای لب هدف عالیه خود، در راه عظمت افغانستان مجبوس و در راه پیروزی مرام دموکراتیک خلق، در راه تحقق آرمانهای خلق کشور، در راه ایجاد حکومت دموکراسی ملی و راه رشد غیر سرمایه داری توان با نظر و عمل اصولی و استوار و شجاعانه گام برداریم !

تا این اصل مؤجر و بزرگ در باره ماصدق کند که : «خود را پیشا هنک و واحد پیشرو نامیدن کافی نیست باید اعمال مساوی طوری باشد که تمام واحد های دیگر هم ببینند و مجبور باشند اعتراف کنند که ما در صف جلو حرکت میکنیم .»

ختم موضوع دوم

«موضوع سوم در شماره های آینده»
پیرک (عضو ولسی جرگه)

خلق

فلا هفته یکبار نشر می شود

صاحب امتیاز: نورمحمد (تره کی)

مدیر مسؤول: م. حسن (بارق شنیدی)

آدرس: محمد جانخان واپ

(مقابل کابل ښاروالی)

اشتراک

مرکز: سالانه ۱۰۰ - افغالی ولایات و پښتونستان:

سالانه ۱۱۰ - افغانی

خارج کشور: سالانه ۱۰ - دالر

قیمت یک شماره ۲ - افغالی

نمبر حساب در پښتنی تجارتی بانک (۱۴۱۴)